



انترناسیونال ۴۳۴

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۶ دی، ۶ ژانویه ۲۰۱۲

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه



حزب کمونیست کارگری و دنیای امروز

متن پیاده شده سخنرانی اصغر کریمی در فرانکفورت به مناسبت بیستمین سالروز تشکیل حزب کمونیست کارگری

دوستان به همه شما عزیزان تبریک میگویم.

سلام عرض میکنم و خیلی خوشحالم در این جمع گرمندان حضور دارم. به همه شما سالروز تشکیل حزب کمونیست کارگری را

قلابی یا سرمایه داری دولتی در

صفحه ۷



در مورد تشدید تحریمها و تنشهای نظامی

سه سوال از حمید تقوایی

انترناسیونال: حمید تقوایی کشاکش غرب و جمهوری اسلامی یک بار دیگر با تهدید بستن تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی و جواب فرمانده ناوگان آمریکا که گفته است جلوی آن می ایستیم و ادامه تهدیدهای دو طرف به نقطه حادی رسیده است. فکر میکنید تا چه حد این تهدید جدی است و چه اتفاقی در این مورد دارد می افتد؟

حمید تقوایی: به نظر من تهدیدهای جمهوری اسلامی در مورد بستن تنگه هرمز مانند مانور اخیر سپاه در خلیج فارس جزئی از جنگ تبلیغاتی و رجزخوانی های مرسوم رژیم علیه غرب و شیطان بزرگ است. تفاوت شاید در این باشد که این بار رژیم بیش از گذشته در منگنه قرار گرفته است. از لحاظ سیاسی و مناسبات درونی کاملاً وضع بهم ریخته ای دارد و از نظر اقتصادی هم تحت فشار تحریمها وضعش از

صفحه ۲

نگاهی به مبارزات کارگری در سال جاری

مستقیمی بر فضای اعتراض داشته و بطور واقعی توجه جامعه را بطرف خود معطوف کرده است. مختصراً نگاهی به این اعتراضات می اندازیم.

صفحه ۳

گرفته و وزن سنگین تری در اوضاع سیاسی جامعه پیدا کرده است. بطوریکه میتوان گفت جنبش اعتراضی کارگری امروز تنها عرصه اعتراضی ایست که هر روزه جریان دارد و در بسیاری از شهرها تاثیر

شهلا دانشفر

جنبش اعتراضی کارگران همواره یک عرصه دائمی جدال با جمهوری اسلامی بوده است، بعد از خیزش انقلابی مردم در سال ۸۸ این اعتراضات شکل گسترده تری بخود

حمله به هاشمی رفسنجانی، از سر گیری یک دعوا

ورود به ایران، ضبط شد. سیمای جمهوری اسلامی در بخش خبری ساعت ۲۰:۳۰ روز چهارشنبه با پخش تصویری از هاشمی رفسنجانی، "کارگزاران و نزدیکان" او را در ردیف کسانی دانست که هنوز

صفحه ۲

آن سایت اکبر هاشمی رفسنجانی، مسدود شد و محسنی اژه ای دادستان رژیم دلیل آن را وجود "مصادیق مجرمانه" در این سایت اعلام کرد. روز چهارشنبه هم گزرنامه های افراد خانواده مهدی هاشمی در فرودگاه تهران در هنگام

بهروز مهرآبادی

فائزه رفسنجانی به جرم تبلیغ علیه نظام، به شش ماه حبس و پنج سال محرومیت از فعالیت سیاسی و حضور رسانه ای محکوم شد. این خبر توسط وکیل او در روز سه شنبه ۱۳ دی انتشار یافت. چند روز قبل از

مظفر صالح نیا از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد

کارگران ایران دستگیر شد

نامه اعتراضی رضا شهابی از بیمارستان

صفحه ۱۰



بازتاب هفته

رویدادهای منطقه در یک نگاه!

محمد شکوهی

توافق بر سر تحریم نفت ایران و فشار بیشتر بر مردم

بهروز مهرآبادی

"فرزند رفسنجانی" در قربانگاه

یاشار سهندی

صفحات ۵-۶

چند خبر از اعتراضات کارگری

صفحات ۵ و ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در مورد تشدید تحریمها و

انترناسیونال: کلا با تحریم بانک مرکزی ایران توسط آمریکا و طرح مساله تحریم نفت ایران این بحران ریتم تندتری بخود گرفته و حادثه شده است. آیا غرب در مورد تحریم نفت ایران جدی است؟ اگر این تحریم صورت گیرد چه تاثیری بر جمهوری اسلامی و شرایط سیاسی در ایران دارد؟

حمید تقوائی: دولت آمریکا فعالانه خواهان تحریم نفتی ایران است و به نظر میرسد اتحادیه اروپا هم در این جهت حرکت میکند. دیروز اعلام شد که اعضای اتحادیه اروپا در مورد تحریم نفتی ایران به توافق اصولی رسیده اند و قرار است امروز (پنجشنبه ۵ ژانویه) جزئیات مربوط به طرح تحریم نفت ایران در اجلاس نمایندگان ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا بررسی شود. این شواهد بمعنی در دستور قرار گرفتن تحریم نفتی و همینطور سیاست تحریم بانک مرکزی - که چند روز قبل اوپاما آنرا امضا کرد - از جانب دولتهای غربی و همپیمانان آنها نظیر امارات و دیگر کشورهای عربی خلیج است.

تاثیر این تحریمها تشدید بحران و وخامت وضعیت اقتصادی جمهوری اسلامی (که افزایش بیسابقه بهای ارز یکی از اولین تبعات آنست) و بدنبال آن افزایش سرسام آور قیمتها و کمبود مواد کالاهای مورد نیاز مردم خواهد بود. مردمی که فی الحال با بیکاری و گرانی و فقر دست و پنجه نرم میکنند تحت فشار بیشتری قرار خواهند گرفت و محرومترین اقشار جامعه از اولین قربانیان تحریم اقتصادی خواهند بود. از لحاظ سیاسی نیز این تحریمها موجب خواهد شد تا رژیم فقر و کمبود و بیکاری و دیگر مسائل گریبانگیر توده مردم را به گردن تحریم اقتصادی بیاندازد و خود را از زیر تیغ اعتراضات مردم بدر ببرد. بنابراین تحریم اقتصادی وقتی از تحریم فروش اسلحه و تجهیزات پلیسی - امنیتی و یا مسدود کردن حسابهای بانکی مقامات و سران

از صفحه ۱

رژیم فرا تر برود - که تحریمهای اخیر چنین است - هم از نظر سیاسی و هم انسانی به ضرر توده مردم تمام خواهد شد. این نوع تحریمها بیش از آن که فشاری به حکومت باشد، عامل تشدید فشار بر توده مردم زحمتکش خواهد بود.

انترناسیونال: هدف اصلی دولتهای غربی از اعمال تحریمها جلوگیری از پروژه هسته ای است. لاقط هدف اعلام شده تحریمها اینست. آیا تحریمها میتواند واقعا در این جهت موثر باشد و به این هدف برسد؟

حمید تقوائی: حزب ما، و فکر میکنم اکثریت قاطع مردم ایران، نیز با دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی مخالفند. هم باین دلیل که مردم ایران نیز مانند مردم شریف در سراسر دنیا با جنگ و سلاحهای اتمی علی العموم و در دست هر دولتی مخالف هستند و هم مشخصا باین علت که جمهوری اسلامی یک حکومت آدمکش و تروریست و ستون فقرات اسلام سیاسی است و دستیابی اش به سلاح هسته ای میتواند موقعیت رژیم را در ایران و منطقه و موقعیت تروریسم اسلامی را در کل دنیا تقویت کند. اما مخالفت دولتهای غربی با پروژه هسته ای جمهوری اسلامی نه ربطی به خواست مردم مبنی بر خلع سلاح اتمی همه دولتها دارد و نه حتی به جنایاتی که رژیم اسلامی علیه مردم در ایران و در منطقه مرتکب میشود. مساله دولتهای غربی رام و همراه کردن جمهوری اسلامی در چارچوب اهداف و سیاستهای منطقه ای این دولتها است. نکته دیگر اینکه دولتهای غربی، مستقل از اهداف و نیاتشان در مخالفت از پروژه هسته ای جمهوری اسلامی، مراجع ذیصلاحی برای قضاوت و صدور اجازه در مورد اتمی یا اتمی نبودن دولتهای دیگر نیستند. این دولتها خودشان تا دندان به سلاحهای اتمی مجهزند و با کشورهای اتمی همپیمانان هم مشکلی ندارند. تا آنجا که به راهها و شیوه های مقابله دول غربی با پروژه هسته ای

جمهوری اسلامی مربوط میشود نیز این سیاستها و مواضع و اقدامات دولتهای غربی به حل انسانی و ریشه ای مساله ربطی ندارد. جنگ و تحریم اقتصادی خود جزو صورت مساله مردم ایران است و نه راه حل مساله اتمی و یا تروریسم اسلامی و یا هر دلیل واقعی و یا ظاهری دیگری که دولتهای غربی عنوان میکنند. ما بارها تاکید کرده ایم که هر دولت و حزب و شخصیت و نیروی سیاسی و هر ارگان و مرجع بین المللی اگر واقعا ذره ای از سر آزادیخواهی و ترقیخواهی و دفاع از مردم با جمهوری اسلامی و سیاستهای آن - از جمله پروژه هسته ای - مخالف است باید جمهوری اسلامی را بعنوان دولت ایران برسمیت نشناسد. این رژیم قاتل مردم ایرانست و نه نماینده آنها و از همین رو باید کلیه دولتها و نهادهای بین المللی از لحاظ سیاسی آترا طرد و تحریم کنند، سفارتخانه های آن را ببندند، مقامات و سران رژیم را بجرم ترور و کشتن مردم و مخالفین در ایران و حتی در خارج ایران - از جمله موارد متعدد ترور شخصیتهای اپوزیسیون در آلمان و سوئیس و فرانسه و قبرس و ترکیه و عراق که کیسهای شناخته شده و اثبات شده ای است - تحت پیگیری قرار بدهند و نمایندگان رژیم را از همه ارگانهای بین المللی مثل سازمان ملل و سازمان جهانی کار اخراج کنند. تنها چنین سیاستی میتواند به راه حل انسانی و مترقی و ازادیخواهانه مساله اتمی و کلا "حل مساله جمهوری اسلامی" منجر شود. یعنی مبارزه مردم ایران علیه رژیم را به مراتب تسهیل و تسریع کند و به سرنگونی حکومت منجر شود. روشن است که دولتهای غربی بخودی خود تحریم سیاسی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی را در دستور قرار نخواهند داد. این وظیفه احزاب و نیروهای مترقی و مردم شریف جهان است که دولتها و مراجع بین المللی را برای طرد و بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی تحت فشار قرار بدهند. میتوان و باید به همت مردم و نیروهای مترقی و آزادیخواه در دنیا جمهوری اسلامی را در سراسر دنیا همانند رژیم آپارتاید

نژادی در آفریقای جنوبی طرد و منزوی کرد. حزب ما مدتهاست در این جهت مبارزه میکند و این به نظر من آلترناتیو و پاسخ عملی هر نیروی

حمله به هاشمی رفسنجانی، ...

از صفحه ۱

هیچ موضع انتخاباتی اتخاذ نکرده اند. به این ترتیب مشخص شد دلیل بالا گرفتن دعوا با رئیس سابق مجمع تشخیص مصلحت نظام، موضعگیری بر سر انتخابات آینده

مجلس اسلامی است. حمله محسن دیباجی یکی از نمایندگان خامنه ای در سپاه کاشان و پخش شعارهای "مرگ بر رفسنجانی" از تلویزیون را می توان نمونه های دیگری از ابعاد این دعوا دانست. بالا گرفتن کشمکش بین دارو دسته های خامنه ای و احمدی نژاد، برای مدتی روی دعوا با حریف مشترک این دو گروه یعنی باند هاشمی رفسنجانی، سایه انداخت. بنظر می رسد که باند خامنه ای توان جدال همزمان با رئیس دولت و رفسنجانی را نداشت. برای مدت چند ماه هاشمی رفسنجانی نه تنها از زیر ضرب خارج شد، بلکه با قیافه ای حق بجانب تر توانست خود را ماورای این کشمکش ها وانمود کرده و موقعیت خود را بعنوان مهمترین کاندیدای اپوزیسیون درون نظام بعنوان رقیب خامنه ای، حفظ نماید. درگیری رهبر و رئیس جمهور، عملا به نفع او تمام شد. هاشمی رفسنجانی از هر گونه موضعگیری در دعوی بین باند احمدی نژاد و خامنه ای خودداری کرد اما نظام متزلزل تر و "رهبر" متوحش تر از آن است که بتواند این "بیطرفی" را تحمل کند. انتخابات آتی مجلس اسلامی نقطه اوج دعوای داخل نظام است. "اصلاح طلبان حکومتی" با وجود اینکه عاجزانه التزام خود را به ولایت فقیه و نظام اعلام نمودند، از انتخابات کنار گذاشته شده و تبلیغات خود را بر علیه خامنه ای افزایش داده اند. باند احمدی نژاد با تکیه به امکانات دولتی بسرعت مشغول بسیج نیروهای خود برای تصرف مجلس است. در میان این بلوا خامنه ای نمی تواند بی طرفی ظاهری یار دیرین خود در این زمینه را بپذیرد. بستن سایت هاشمی و به

اما هاشمی که خود سی سال در جنایات جمهوری اسلامی سهیم و شریک بوده و حامیان خود را در درون نظام دارد، بیش از هر کس به موقعیت ضعیف خامنه ای آگاهی دارد و حاضر به قبول فشار های او نشده است. پس از اقدام سیمای جمهوری اسلامی در چهارشنبه شب، روز پنجشنبه دفتر رفسنجانی با صدور يك بیانیه او را شخصیتی فرا جناحی اعلام کرد که به هیچ حزب و جناح سیاسی وابسته نیست و در انتخابات در مورد کاندیداهای هیچ حزب، گروه و جناح خاصی اظهار نظر نخواهد کرد. در این بیانیه مطلب منتشر شده در سیمای القانات بی پایه و اساس، در مورد انتخابات، نامیده شد.

بالا گرفتن دعوی باندهای حاکم با دار و دسته هاشمی رفسنجانی، نشان میدهد که تمام تلاشها و تقلاهایی که از جانب خامنه ای و سایر آخوندهای حکومتی شده تا طرفهای جنگ و نزاع را قانع کند که به خاطر حفظ نظام از جنگ علنی پرهیز کنند، بی خاصیت و بی اثر شده و يك بار دیگر این نزاعها دارد به سطح جامعه کشیده میشود. و باید منتظر بود که صحنه هایی بیشتری از این کشمکش ها از پشت پرده خارج شده و در معرض دید قرار بگیرد. از سوی دیگر حمله به هاشمی رفسنجانی و خانواده اش میزان وحشتزدگی جمهوری اسلامی را نشان می دهد. رژیمی که در معرض بالاترین میزان نفرت و انزجار مردم است و هر لحظه خطر سرنگونی آن را تهدید می کند از وفادار ترین و قدیمی ترین یاران و دست اندر کاران خود نیز هراس دارد.*

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

نگاهی به مبارزات

کارگری در ... از صفحه ۱



۱- سال ۹۰ سالیست که مهر اعتراضات کارگران پتروشیمی ماهشهر را بخود دارد و افق جدیدی از مبارزه در مقابل کل کارگران در ایران قرار داده است. سال ۹۰ با اعتراضات هزاران نفره کارگران پتروشیمی ماهشهر شروع شد. تظاهرات هزاران نفره کارگران چند مجتمع پتروشیمی ماهشهر در یکی از صنایع کلیدی وابسته به نفت در جنوب ایران، آنها با خواست تعرضی کوتاه شدن دست پیمانکاران در محیط های کار و بستن قرارداد مستقیم کارگری با کارگران یک نقطه عطف و یک اتفاق سیاسی مهم در این سال بود. بویژه خواست این کارگران خواستی بود که اساسا بر یک معضل اساسی کل کارگران در ایران از جمله کل کارگران صنعت نفت و مجتمع های بزرگی چون ذوب آهن اصفهان، ایران خودرو و بخش عظیمی از کارگران که با این شرایط برده وار کار به استخدام درآمده و کار میکنند، انگشت میگذاشت و بیشترین توجه ها را در جنبش کارگری در ایران و به این اعتبار در کل جامعه بخود جلب کرد. اعتصاب قدرتمند هزاران کارگر پتروشیمی ماهشهر در فروردین ۹۰ در واقع اعلام پایان دادن به این بردگی از سوی کارگران بود. نکته مهم اینجاست که کارگران پتروشیمی ماهشهر خصوصا کارگران پتروشیمی بندر امام که مرکز اصلی این اعتراضات بود توانستند قراردادی کتبی را مبنی بر اجرایی کردن این طرح به کارفرمایان و دولت تحمیل کنند و این جدالی است که هنوز در این مجتمع و کل پتروشیمی ماهشهر ادامه دارد. از جمله بنا بر اخبار منتشر شده در سایت اتحاد در همین هفته کارگران شرکتهای پیمانکاری مجتمع های پتروشیمی بندر امام و منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر در اقدامی هماهنگ و با صدور بیانیه ای اولتیماتوم داده اند که اگر تا بیستم دی ماه به خواستهای آنها پاسخی داده نشود، در این روز دست به اعتصاب خواهند زد.

برای رسیدگی به خواستههایشان برگزار شود. اما کارگران مخالفت کرده و مصمم و متحد اعلام کرده اند که وارد جلساتی که ضمانت اجرایی ندارد نخواهند شد و با طرح خواست اضافه شدن مبلغ ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان بر دستمزدهایشان بعنوان شرطی برای دادن مهلت ۴ ماهه دیگری برای اجرایی شدن خواست کوتاه شدن دست پیمانکاران و اینکه هر نوع تصمیمی باید کتبا در تابلوی اعلانات مجتمع نصب شود، بر روی خواست خود پافشاری میکنند. همچنین در مقابل تهدیدات مسئولین پتروشیمی مبنی بر مقابله با اعتراضات کارگران، در میان کارگران پتروشیمی بندر امام بحث بر سر کشاندن تجمع و اعتراض به بیرون از محوطه و منطقه استقرار پتروشیمی ها است.

در دور قبلی اعتراضات کارگران پتروشیمی ماهشهر مقامات مسئول اعلام کردند که خواست این کارگران کلان است و به کل کارگران نفت برمیگردد. مبارزات کارگران پتروشیمی ماهشهر در این یکساله در واقع تلاشی است برای تحمیل این خواست کلان و پاره کردن زنجیری که استخدامهای پیمانی کارگران و شقه شقه کردن محیطهای کار از این طریق، بر پای این کارگران و کارگران کل صنعت نفت و کل جنبش کارگری بسته است. پیروزی کارگران پتروشیمی ماهشهر در این مبارزات سرآغازی خواهد بود برای رها شدن کارگران از این شکل برده وار کار و به میدان آمدن بخش عظیمی از کارگران در صحنه سیاسی جامعه.

۲- یک جنبه مهم اعتراضات کارگری در سال ۹۰ کشیده شدن اعتراض به مراکز کلیدی کارگری است. نمونه پتروشیمی ماهشهر با خواست کوتاه شدن دست پیمانکاران را اشاره کردم. علاوه بر این شاهد اعتراضات کارگری در مراکز مختلف صنعت نفت و پتروشیمی ها در شهرهای دیگر، کارگران ذوب آهن اصفهان و غیره هستیم. محورهای اصلی این اعتراضات خواست کوتاه شدن دست پیمانکاران از محیط های کار، اعتراض علیه اخراج ها و بخاطر دستمزدهای

پرداخت نشده است. یک نمونه آن در پالایشگاه نفت آبادان در اردیبهشت ماه است که چندین روز متوالی طول کشید. در این روز کارگران در کنار اوردن تجمع کرده و با سردادن شعار، به کلیه کارگران برای مبارزه در جهت کسب حقوق و مطالبات حقه خود فراخوان اتحاد دادند و علیه اخراج همکاران خود از سوی شرکت اعتراض کردند. در ادامه این تجمع و اعتراض روز شنبه ۳۱ اردیبهشت مزدوران رژیم به کارگران حمله کردند که موجب زخمی شدن تعدادی از کارگران شد. کارگران با سر دادن شعار "کارگر کارگر اتحاد اتحاد" و "مرگ بر استعمار" تصمیم گرفتند که روز سه شنبه ۳ خرداد در مقابل پالایشگاه نفت دست به تجمع بزنند. تجمع اعتراضی کارگران در روز سه شنبه با سفر احمدی نژاد که برای افتتاح یکی از قسمتهای پالایشگاه آبادان به این شهر سفر کرده بود و انفجار در پالایشگاه مصادف شد. این اتفاق به فضای اعتراضی در میان این کارگران شدت داد. گرچه این مبارزات هنوز به عملی شدن خواستههای کارگران منجر نشده، اما نشانگر یک تحول در یک مرکز مهم کارگری است. بعد از آن در طول سال ۹۰ ما به مناسبتهای مختلف شاهد اعتراضات کارگران در این مرکز هستیم.

۳- یک اتفاق مهم در جنبش اعتراضی کارگری در سال ۹۰، برگزاری اول مه و نقطه اوج آن اول مه سرخ و رادیکال در شهر سنندج است. جنب و جوش برای برگزاری اول مه در این سال بیش از هر وقت و وسیع بود و نقطه قابل توجه آن ظاهر شدن صف متحد رهبران و فعالین کارگری با قطعنامه ای مشترک بود. قطعنامه هفت تشکل کارگری بطور واقعی، کیفرخواست کارگران و کل جامعه علیه توحش سرمایه داری بود و در روز جهانی کارگر، در این روز مهم، کارگران با این کیفرخواست با قدرت جلو آمدند و اعلام داشتند که دیگر به این بردگی تن نخواهند داد. این قطعنامه و این اتحاد در شکل گیری اول مه با شکوه و عظیم در شهر سنندج به ثمر رسید. و به طور واقعی در این روز شاهد اتحادی سراسری بر سر خواستههای انسانی بودیم. در این روز کارگران کیان تایید در ادامه اعتراضات خود بر سر خواستهها و مطالباتشان به خیابان آمدند و با پلاکارد گرامی باد اول مه، زندگی

انسانی حق مسلم ماست حرف دل تمام کارگران را بیان کردند. کارگران پاکدشت نیز اعلام داشتند که با مجوز، بی مجوز برای اول مه روز جهانی به خیابان می آیند و این روز را گرامی میدارند.

۳- موضوع قابل توجه دیگر در مبارزات کارگری در سال جاری اعتراضات گسترده از سوی کارگران به صورت بیانیه و قطعنامه و تجمعات اعتراضی علیه تهاجم جدید جمهوری اسلامی به زندگی و معیشتشان تحت عنوان طرح تغییر در قانون کار ضد کارگريشان است. از جمله در همین رابطه ما شاهد بیانیه هایی از سوی تشکلهایی که به همت خود کارگران ایجاد شده است، اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای شرکت واحد، کمیته هماهنگی، انجمن صنفی فلزکار و مکانیک و جمع هایی از کارگران در اعتراض به این موضوع بودیم. یک نمونه برجسته اعتراضات کارگری به این موضوع تجمع اعتراضی حدود سه هزار کارگر در روز ۲۹ آبان مقابل مجلس اسلامی بود. در این روز کارگران با شعارهای مرگ بر سرمایه داری، تغییر در قانون کار و السترینت ایران، اعتراض خود را به کل این نظام و این بربریت اعلام داشتند. این روز مصادف با سالگرد تصویب قانون کار جمهوری اسلامی بود که خانه کارگر جمهوری اسلامی مثل هر سال در دل دعوای درون حکومتی شان برنامه داشت شماری از کارگران را تحت این عنوان به مقابل مجلس ببرد تا اعتراضات کارگری را دستمایه ای برای خود کند. اما به محض اینکه کارگران از جاهای مختلف از این موضوع مطلع شدند، در فرصتی کوتاه فوراً یکدیگر را مطلع کرده و در زمانی اندک چنین جمعیتی در آنجا گرد آمد و با این کار خود کل برنامه از قبل چیده شده مزدوارن خانه کارگر را در هم ریختند. در این تجمع اعتراضی کارگران با در دست داشتن پلاکاردهایی که بر رویش نوشته شده بود، کارگر، کارگر اتحاد اتحاد، وزیر بی لیاقت استعفا استعفا، مرگ بر سرمایه دار، و با شعارهای مجلس به

این بیگیری هرگز ندیده ملتیی اشاره به والسترینت در واقع به نوعی اولتیماتوم خود را دادند و مقابل مجلس اسلامی را که همواره محل تجمعات اعتراضی کارگران و بخش های مختلف جامعه بوده است، را به محل تجمعات بعدی خود اعلام کردند.

نظیر چنین حرکتی را در تبریز نیز شاهد بودیم و در همان روز در این شهر هزاران نفر از کارگران و بازنشستگان آذربایجان شرقی در اعتراض به برده وارتر شدن شرایط حاکم بر کارشان و با سردادن شعارهایی نظیر "کارگر اویاخدی اوز حقیقینه دایاخدی" (کارگر بیدار است، از حق خود آگاه است) و "وزیر بی لیاقت استعفا استعفا" ضمن اعلام اعتراضشان خواهان رسیدگی به ماه ها بیکاری و عدم دریافت دستمزدهایشان شدند. ویدیوی این حرکت اعتراضی فوراً همه جا منتشر شد و توجه ها را به خود جلب کرد. به همین مناسبت بیش از ۶۰ هزار کارگر و بیش از ۳۰ شرکت مجموعه صنعتی ایران خودرو طی نامه ای تحت عنوان "می خواهیم برده باشیم" به وزارت کار رژیم، مخالفت خود را با تهاجم جدید رژیم به شرایط کار و معیشتشان تحت عنوان تغییرات قانون کار اعلام داشتند.

۴- تبدیل مرکزی چون محوطه مقابل مجلس اسلامی به محل تجمعات اعتراضی کارگری یک جنبه جالب اعتراضات کارگری در ایران است و آنجا را عملاً به محل تجمعات اعتراضی هر روزه کارگران و بخش های دیگری از مردم تبدیل کرده است. نمونه برجسته اش روز ۲۹ آبان است که کارگران با اشاره به والسترینت، این را به زبان گویایی اعلام داشتند. نمونه دیگر از تجمعات کارگران در مقابل مجلس اسلامی تجمع کارگران بازنشسته ذوب آهن از ذوب آهن و چندین شهر دیگر از خراسان و شمال در همین آذر ماه بود. این کارگران در اعتراض به ۲ ماه حقوق معوقه خود و دیگر خواستههایشان در آنجا گرد آمدند و بدنبال آن شاهد تجمع دو هزار نفر از این کارگران در شهر اصفهان بودیم.

صفحه ۴

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلاپی بدل میشود!

نگاهی به مبارزات کارگری در ...

از صفحه ۳

این کارگران در طول آذرماه در شهر اصفهان مرتباً تجمع کردند، جاده بستند، پیکت اعتراضی برپا داشتند تا دو ماه دستمزد عقب مانده خود را نقد کنند. اعتراضاتی که نهایتاً مقامات ذوب آهن و دولت را به عقب نشینی واداشت و ناگزیر شدند بخشی از طلب کارگران را بپردازند و کارگران اعلام داشتند که تا همه طلبهایشان را نقد نکنند به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد. انعکاس گسترده این اعتراضات کارگران، آنرا به صدر اخبار روزنامه های حکومتی برد و به موضوع مورد بحث در میان مردم در شهر اصفهان تبدیل کرد.

از جمله دیگر تجمعات کارگری مقابل مجلس اسلامی، تجمعاتی است که کارگران از شهرهای مختلف به هدف تجمع در مقابل این مرکز به تهران می آیند. این نوع حرکات اعتراضی را اساساً در میان کارگران نساجی های قزوین و شمال بسیار میتوان دید. امسال نیز در چندین بار متوالی این کارگران بخاطر خواستهایشان و در اعتراض به اخراج

ها و دستمزدهای پرداخت نشده شان به این محل آمدند و در آنجا تجمع کردند و صدای اعتراض خود را بلند کردند.

۵- مورد دیگر حائز اهمیت در مبارزات کارگری در سال جاری، تبدیل شدن مراکز در شهرهای معین به کانون های دائمی اعتراض و مبارزه است. این مراکز اعتصابی و در حال اعتراض، تاثیرات خود را بر دیگر کارخانجات و حتی بعضاً در کل شهر گذاشته اند. نمونه هایی از این کارخانجات، مخابرات راه دور در شیراز، لوله سازی خوزستان، نساجی های قزوین، نساجی قائم شهر است.

در مخابرات راه دور در طول سال جاری هفته ای نبوده است که کارگران دست به تجمع نزده باشند. کارگران مخابرات راه دور هم اکنون ۲۴ ماه دستمزد خود را طلب دارند. در این تجمعات کارگران پلاکاردی که خواستهایشان را بیان میکرد در دست داشتند و با شعار زندگی، معیشت، حق مسلم ماست، اعتراض خود را بیان میکردند. این اعتراضات بطور واقعی باعث شده

که هم اکنون این کارخانه و مبارزات کارگران به مرکز توجه مردم در شهر شیراز تبدیل شود.

در قزوین نیز کارگران ریسندگی همین نقش و موقعیت را در این شهر دارند و ما بارها شاهد تجمعات همزمان چندین کارخانه در مرکز این شهر بوده ایم. کارخانجات ریسندگی قزوین نظیر ناز نخ و مه نخ و فرنخ و غیره از جمله مراکز هستند که در طول تمام سال جاری در حال تجمع، بستن جاده و اعتراض بوده اند برای اینکه حق و حقوقشان را بگیرند.

نساجی قائم شهر نیز در این شهر مرتباً از همان آغاز سال جاری مرکز اعتراض کارگران بوده است. در همین آذر ماه کارگران این کارخانه هنگامی که از حضور احمدی نژاد در این شهر به مناسبت سالگرد مرگ علی کردان وزیر سابق کشور با خبر شدند، با راهپیمایی خود را به آنجا رساندند. در همانجا بود که یکی از کارگران معترض با پرتاب لنگه کفشی بطرف احمدی نژاد خشم و اعتراض خود را بیان کرد. کارگری که بعداً خبر دستگیری او در سایتهای جمهوری اسلامی انعکاس یافت. این کارگران دستمزد بیش از

یکماه خود را طلب دارند. نمونه دیگر از چنین مراکز لوله سازی خوزستان است. خوزستان منطقه ای است که خود حکومت بارها و بارها از برگزاری جلسات بحران در رابطه با اعتراضات کارگری و مشخصاً مبارزات کارگران لوله سازی سخن گفته است. این کارگران ۲۹ ماه دستمزد خود را طلب دارند. این کارگران چندین سال است که بطور مرتب با تجمع کردن و راهپیمایی و اعتراض تکه تکه دستمزدهای معوقه خود را توانسته اند از حلقوم مفتخوران جمهوری اسلامی بیرون بکشند و همچنان بر خواست کاراندازی دوباره کارخانه و پرداخت ب موقع دستمزدهایشان تاکید دارند. از جمله نمونه های دیگری از این دست کارخانجات نساجی کاشان، کشت و صنعت کارون، آوانگان، اراک، کارگران سد گتوند، کیان تایر، پارس متال، نورد لوله صفا، ریسندگی پریس سنندج، پرهون طرح در نیروگاه سیکل ترکیبی سنندج و صنایع فلزی در تهران، را میتوان نام برد.

۶- وجه مهم دیگر اعتراضات کارگری در سال جاری، طولانی بودن تجمع کارگران لوله سازی خوزستان روز چهارشنبه ۷ دی در فلکه مقابل ساختمان حراست تجمع کرده و خواهان ۲۷ ماه حقوق معوقه و همچنین بازگشایی کارخانه و یا تعیین تکلیف وضعیت بازنستتگی خود گردیدند. تا کنون هیچ پاسخ روشنی به کارگران معترض داده نشده است.

۶- وجه مهم دیگر اعتراضات کارگری در سال جاری، طولانی بودن

تجمع کارگران لوله سازی خوزستان در مقابل ساختمان حراست

کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان روز چهارشنبه ۷ دی در فلکه مقابل ساختمان حراست تجمع کرده و خواهان ۲۷ ماه حقوق معوقه و همچنین بازگشایی کارخانه و یا تعیین تکلیف وضعیت بازنستتگی خود گردیدند. تا کنون هیچ پاسخ روشنی به کارگران معترض داده نشده است.

کارگران مخابرات راه دور در صورت عدم تحقق وعده، اعتراض خود را از سر خواهند گرفت

بیش از ۳۰۰ تن از کارگران معترض شرکت مخابرات راه دور

۱۰ دی ماه خود پلاکاردی در دست داشتند که بر روی آن نوشته شده بودند: ما خواهان هیت مدیره، کار، دریافت سه ماه حقوق معوقه و واریز ۸ ماه بیمه خود هستیم. بدنبال این تجمع که باعث ترافیک سنگینی در خیابان منتهی به شاد آباد (بازار آهن) شده بود، بازرسی اداره کار در میان کارگران حاضر شدند و با وعده پیگیری خواستهای کارگران از آنان خواستند به تجمع خود پایان دهند اما کارگران وقتی به این وعده ندادند و به اعتراضشان ادامه دادند. کارگران صنایع فلزی از مهر ماه امسال هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند و مدت ۸ ماه از بیمه های آنان واریز نشده است.

اعتصاب طولانی مدت کارگران مخابرات آبادان

در خبرهای روز ۱۱ دی آمده است که کارگران مخابرات کوی ذوالفقاری آبادان به دلیل عدم دریافت حقوق، ۷ ماه است که در اعتصاب به سر می برند. اداری مخابرات علاوه بر در نظر نگرفتن مطالبات کارگران، تا کنون از پاسخ به مردم هم برای قطع تلفنهای آنها سر باز میزند.

مدت این اعتراضات و پافشاری کارگران بر خواستهایشان است. نمونه هایی چون پتروشیمی ماهشهر، و نمونه های مختلفی از اعتراضات کارگری در شهرهای مختلف را جلوتر اشاره کردم. موارد دیگر، اعتراضات کارگران متروی اهواز، مخابرات راه دور آبادان، شرکت آهنگری تراکتورسازی تبریز است. در متروی اهواز اعتصاب کارگران در شهریور ماه، ۲۲ روز بطول انجامید. در مهر ماه نیز کارگران شرکت پیمانکاری پتروشیمی در تبریز بیکار شدند. آبادان یکماه تمام در اعتصاب بودند.

۷- در سال ۹۰ همچنین نمونه هایی از تجمع کارگران بیکار و جوانای جویای کار در آبادان داشتیم که به نوبه خود الگوی خوبی از اعتراض و مبارزه علیه بیکاری و برای خواست بیمه بیکاری بدست. داد.

مجموعه نکات فوق تصویر گویایی از يك فضای فعال در جنبش کارگری و رشد و گسترش جنبش کارگری در سال جدید را بدست میدهد. موقعیتی که میشود به پیشرویهایشان اتکا کرد ضعفها را بررسی کرد و گام های بعدی را به جلو برداشت. ۱۶ دی ۱۳۹۰*

شیراز که ۱۰ روز پیاپی در مقابل استانداردی تجمع اعتراضی داشتند، با درخواست استانداردی این شهر و قول حل مشکل پرداخت معوقه کارگران تا آخر هفته، اعلام کردند موقتاً تجمع خود را تا آخر هفته متوقف می کنند. نماینده کارگران شرکت مخابرات در جلسه با مسئولین استانداری اعلام کردند که تا آخر این هفته به مقامات مهلت می دهند تا برای پرداخت حقوق های معوقه شان اقدام کنند. کارگران تاکید کردند که از این قولها و وعده و وعده ها زیاد شنیده ایم ولی در صورت نرسیدن به خواسته مان مجدداً از شنبه تجمع خود را شروع می کنیم. این کارگران ۲۴ ماه است حقوق نگرفته اند.

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

L.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

انترناسیونال را بخوانید و وسیعاً تکثیر و پخش کنید

بازتاب هفته

توافق بر سر تحریم نفت ایران و فشار بیشتر بر مردم



بهروز مهر آبادی

مانور نظامی، قدرت نمائی و تهدید به بستن تنگه هرمز هر چند موجب بالا رفتن قیمت نفت در بازارهای جهانی شد ولی با وجود این زیاد جدی گرفته نشد و روز چهاردهم دی ماه اعلام شد که دولت های اتحادیه اروپا بر سر تحریم نفت ایران به توافقات اولیه دست یافته اند. مهمترین اختلاف نظر بر سر زمان آغاز این تحریم است. سخنگوی دولت فرانسه ابراز امیدواری کرده است که این تحریم ها تا پایان ژانویه آغاز شود. این تصمیم با استقبال دولت آمریکا روبرو شد. پس از تحریم بانک مرکزی و سیستم بانکی ایران توسط دولت های آمریکا، انگلیس و کانادا، اعلام تحریم های نفتی فشار به جمهوری اسلامی را شدت افزایش داده است. دولت چین که بزرگترین خریدار نفت ایران است با این تصمیم مخالفت کرده است. هر چند که عربستان، امارات و کویت برای تولید بیشتر نفت و فروش آن به قیمت "مناسب" به چین اعلام آمادگی کرده اند، اما ایران بازار بزرگی برای پنجل ترین کالاهای چینی است که بطور پایاپای در مقابل نفت در اختیار تجار و مافیای گرداننده بازار ایران، گذاشته می شود. دولت چین نمی خواهد به سادگی این بازار را از دست بدهد اما از سوی دیگر با این تناقض مواجه است که نمی تواند معاملات و قراردادهای بزرگ خود را با دولت های عضو اتحادیه اروپا به خطر بیندازد. دولت روسیه هم با وجود اینکه با تحریم بانک مرکزی ایران و تحریم نفت مخالفت کرده است، اما برنده بزرگ بحران در منطقه و بالا رفتن قیمت نفت خواهد بود و نمی تواند به سادگی این فرصت را از

دست بدهد.

تحریم بانک مرکزی اثرات خود را بلافاصله بر زندگی مردم گذاشت. دولت بعنوان تنها فروشنده ارز قیمت ها را بالا برد و دلار به مرز ۱۸۰۰ تومان رسید. دزدیدن بیشتر از جیب مردم تنها راه رژیم برای جبران کسر بودجه و بدهی عظیم خود به سیستم بانکی است. رئیس بانک مرکزی با اعلام اینکه "بازگرداندن ثبات به کاهش نرخ اولویت دارد"، در واقع بالا رفتن بیشتر قیمت ها را خبر داد. حتی دست اندرکاران نظام هم به ادعای ثابت شدن قیمت ها باور ندارند. بسیاری از اجناس کمیاب شده و بازارها به حالت نیمه تعطیل درآمده است. بخاطر بالا رفتن لحظه ای قیمت ها، بیشتر فروشندگان از فروش اجناس خودداری می کنند. فشار تحریم ها قبل از هر چیز بر گرده کارگران و مردمی آمده است که حقوق ناچیزشان در مقابل نرخ پرشتاب تورم، هر ساعت بی ارزش تر می شود و یا بیکارند و باید به امید دریافت مبلغ ناچیز یارانه نقدی بنشینند که حتی بعید بنظر می رسد دولت در ماههای آینده بتواند از عهده پرداخت آن برآید. تحریم نفت و بانک مرکزی بدون شك روند تاکنونی افزایش بیکاری و افزایش قیمت ها را سرعت خواهد داد. حقیقت اینست که کشاکش دولتهای غرب و جمهوری اسلامی که چند سال است در شکل کشاکش بر سر مساله اتمی جمهوری اسلامی جریان دارد، همیشه فشارش روی مردم بوده است و علاوه بر خطرات نظامی و تبدیل شدن به جنگ، مدام بر شرایط زندگی کارگران و مردم تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم نامطلوب داشته است. چرا که هردو سوی این کشاکش مصالح غیر انسانی ویژه خود را دنبال میکنند. جمهوری اسلامی که دشمن اصلی و مستقیم کارگران و مردم است. دولتهای بورژوازی نیز علیرغم ادعاهایشان آشکار است که مصالح جایی در سیاستها و محاسباتشان ندارد. عده ای هم سعی میکنند از این کشاکش قبایی برای خود بدوزند و راهی برای مقابله با انقلاب و

سرنوشتی حکومت به قدرت مردم را موعظه میکنند. پاسخ مردم پافشاری بر حقوق و شرایط زندگی انسانی خویش است و گام اول دستیابی مردم ایران به زندگی انسانی سرنوشتی جمهوری اسلامی با قدرت انقلاب است. معیار سنجش هر سیاستی نیز همین جهت گیری اساسی است.*

"فرزند رفسنجانی" در قربانگاه

یاشار سهندی

"فائزه هاشمی رفسنجانی" به جرم تبلیغ علیه نظام به ۶ ماه حبس و ۵ سال ممنوعیت فعالیت سیاسی محکوم شده، او فرزند رفسنجانی است و تلاش "فائزه" همه این بوده که به قول ابوی شان شاید بتواند با بیل جلو سیل را بگیرد، نه آنگونه یکی از مفسران صدای امریکا در گفتگو با بی بی سی میگوید فائزه در جهت احیای حقوق زنان تلاش کرد! تمام تلاش فائزه در این خصوص این بود که شلوار جینی که به پا داشت از زیر چادرش پیدا بود و برای "تبرج" چکمه همه پوشیده بود چون او درس اش را در مکتب پدر خوب فرا گرفته بود که اصل "سیاستمداری بزرگان" بر عوام فریبی است. اینها همه تلاشهای فائزه بوده، تلاشهایی که ازسوی دادگاه ندیده گرفته شد و او را غیر منصفانه (!) به جرم ناکرده به زندان و ممنوعیت فعالیت سیاسی محکوم کرده.

در ایامی که هاشمی رفسنجانی "سردار سازندگی" خوانده میشد و خود دوست داشت "امیرکبیر دوران" خوانده شود هیچ فکر نمیکرد به سرنوشت امیر کبیر دچار شود گیرم که هنوز رگ دست او را در حمام نبریده اند و یا به "قهوه قجری" مهمانش نکرده اند چرا که راههای دیگر هم هست که شریان حیاتی او را قطع کنند. یک جایی خمینی، رفسنجانی را به شیوه خودش مورد تفقد قرار داد و گفت: "تا نهضت زنده است هاشمی زنده است" حقیقت این است که "نهضت" به حال نزار افتاده است و هاشمی باید قربانی شود تا شاید یک جوهرهایی از مرگ نهضت جلوگیری کرده باشند هر چند که خوشایند هاشمی نباشد. فعلا "حلقه

شکستن بت بزرگ فی نفسه اهمیتی برای ایشان ندارد. بلکه حرکتی از این دست فقط برای ایجاد رعب برای انتخابات کذایی در پیش روست. انتخاباتی که خامنه ای آنرا امنیتی اعلام کرده است و فرمان داده شده است که هیچکس در مورد انتخابات بد نگوید. حکومت چنان به حال زار افتاده است که میترسد کوچکترین حرفی یا حرکتی در مورد انتخابات مردم را به خیابان بکشد و وضعیتی پیش بیاورد آنچنانکه رفسنجانی دو سال پیش هشدار داد با "پیل" هم نتوانند جلو آنرا بگیرند. محاکمه و حکم زندان برای فائزه رفسنجانی نشان از ترس و وحشت رژیم از اتفاقات آتی است. "فرزند رفسنجانی" قربانی میشود تا شاید مردم هم بترسند. رسانه هایی مانند بی بی سی میگویند: باید دید که رفسنجانی این مرد بحران تا کی سکوت خواهد کرد! او سکوت خواهد کرد نه بخاطر اینکه چنانکه میگویند "سیاستمدار زیرکی" است و گذاشته به وقتش (!) برای او "حفظ اصل نظام" مهم تر است و اصل نظام همان ولایت فقیه است. رفسنجانی هم از قدرت مردم میترسد مردمی که در خیابان مرگ اصل نظام را خواستار شدند.*

چند خبر از اعتراضات کارگری در ایران

کارگران صبح روز سه شنبه ۶ دی برای سومین بار طی دو هفته گذشته مقابل استانداری گیلان تجمع کردند. کارگران معترض با در دست داشتن پلاکاردهایی اعتراضی خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

تجمع اعتراضی ۴۰۰ تن از کارگران شرکت پیمانکاری رامسکو در عسلویه

کارگران شرکت رامسکو در عسلویه حدود ۴۰۰ نفر از کارگران شرکت پیمانکاری رامسکو که تحت پوشش شرکت پتروشیمی کاویان است از روز شنبه ۱۰ دی در اعتراض به عدم پرداخت چهار ماه حقوق معوقه شان دست به تجمع اعتراضی زدند. این اعتراض روز ۱۰ دی نیز ادامه داشت.

محاصره" را بر او دارند تنگ میکنند و برای این کار به سراغ فرزندانش رفته اند. فرزند رقیبی که تا دیروز بازوی راست دیکتاتور محسوب میشده. به گروگان گرفتن و یا به قتل رساندن شیوه روتین همه دیکتاتورها در تمام طول تاریخ بوده که علیه دستیاران و زیر دستان بکار میبردند تا حساب کار دست او آید و اگر همه اینها کارگر نشد به وقتش طرف را به دارفانی هدایت میکنند، آنهم به شیوه فجیع تا همه بدانند، بخصوص توده مردم بدانند وقتی طرف با نزدیکانش اینگونه رفتار میکنند با آنها که عوام هستند چه خواهد کرد!

و البته فرزندان در نزد پدرانی اینچنین معمولاً جز ابزاری برای پیشبرد مقاصد شان هیچ نیستند و فرزندان به پشتوانه پدر "قدرتمند" تا وقتی امکانش است همه کاری میکنند و خود را جوابگوی هیچ بنی بشری نمیدانند، بلکه برعکس به اعتبار پدر مستبد انتظار دارند تمام جامعه در مقابلشان کرنش کنند. اکنون هم که فائزه رفسنجانی دادگاهی شده و حکم هم گرفته است نه از سر این است که خواستند احیاء حقی کرده باشند بلکه برای این است که خواستند "بت بزرگ" را بشکنند و

تجمع اعتراضی ۴۰۰ تن از کارگران شرکت پیمانکاری رامسکو در عسلویه

کارگران شرکت رامسکو در عسلویه حدود ۴۰۰ نفر از کارگران شرکت پیمانکاری رامسکو که تحت پوشش شرکت پتروشیمی کاویان است از روز شنبه ۱۰ دی در اعتراض به عدم پرداخت چهار ماه حقوق معوقه شان دست به تجمع اعتراضی زدند. این اعتراض روز ۱۰ دی نیز ادامه داشت.

ادامه تجمعات اعتراضی کارگران ریسندگی خاور رشت

دهها نفر از کارگران کارخانه ریسندگی خاور رشت در اعتراض در عدم پرداخت ۶ ماه دستمزدهای خود اقدام به برپایی تجمع نموده اند. این

اساس سوسیالیسم انسان است!

بازتاب هفته

رویدادهای منطقه در یک نگاه!



محمد شکوهی

سوریه: رژیم بشار اسد در برابر چشم ناظران اتحادیه عرب کشتار میکند

از حدود یک هفته پیش ناظران اتحادیه عرب برای نظارت بر امر توافقات انجام شده بین این اتحادیه و رژیم اسد، وارد سوریه شده اند. قرار بود بر اساس این طرح ناظران به امر خروج نیروهای ارتش از شهرها نظارت کرده و زمینه های آزادی دستگیرشدگان و فراهم آوردن امکان آغاز گفتگو با رژیم و مخالفان را به عنوان راه حلی برای پایان دادن به "بحران سوریه، عملی نمایند. هم اکنون یک هفته از حضور ناظران در سوریه می گذرد. در طول این مدت بیش از ۳۵۰ نفر از مردم و مخالفان غلبه حضور ناظران اتحادیه عرب و وعده های رژیم اسد مبنی بر پایان دادن به سرکوب های مردم، کشته شده اند. بیش از ۸۰۰ نفر زخمی و تعدادی زیادی دستگیر شده اند. سخنگوی ناظران اتحادیه عرب که در شهرهای حمص، درعا، دوما بانیاس، لاذقیه و ادلب دیدار کرده است، گزارشی از وضعیت این شهرها و مردم داده است. بر اساس این گزارشات نیروهای ارتش از مراکز شهرهای نامبرده خارج شده و در اطراف شهرها موضع گرفته اند. در عین حال این گزارش تائید کرده که سرکوب و کشتار مردم توسط رژیم ادامه دارد. وی تائید کرد که تک تیراندازهای مستقر در مراکز مهم شهرها و محل ها و ساختمانهای دولتی به بهانه "مبارزه بر علیه تروریستها" رسماً به کشتار مردم پرداخته اند. در این میان ناظران اتحادیه عرب وضعیت را خطرناک توصیف کرده و اعلام کرده اند که رژیم اسد با آنها همکاری نمی نماید

و اجازه ورود آزادانه و بازرسی از شهرهایی که اعتراضات مردم و حشبانه سرکوب شده است، را نمی دهند. یا آنجایی هم که اجازه ورود به این ناظران داده شده است، نیروهای امنیتی ناظران را به مناطقی که خودشان می خواهند برده و جلوی حضور مردم برای گفتگو با ناظران را گرفته و مردمانی را که برای دیدار با ناظران این اتحادیه در شهرهای حمص بانیاس و درعا، تجمع کرده بودند به گلوله بسته اند. نیروهای امنیتی امکان هر گونه تماس آزاد با مردم را گرفته و عوامل خودشان را به عنوان مردمان عادی به این ناظران معرفی می نمایند. با ارائه گزارش ناظران اتحادیه عرب از وضعیت پیشرفت کار ناظران و اعتراف به ادامه کشتار مردم توسط رژیم، در این هفته پارلمان اتحادیه عرب با صدور اطلاعیه ای اعلام کرد که ناظران این اتحادیه باید از سوریه خارج بشوند. بنا بر بیانیته صادره از طرف الدقیبسی رئیس این پارلمان دلیل این اقدام "ادامه سرکوب و کشتار شهروندان بی گناه و زیر پا گذاشتن طرح اتحادیه عرب توسط نظام سوریه" اعلام گشته است.

در واکنش به عدم کارایی طرح صلح اتحادیه عرب و بویژه بی توجهی رژیم اسد به توافقات انجام شده با این اتحادیه، در دهها شهر سوریه اعتراضات مردم بر علیه رژیم ادامه داشته است. مردم اتحادیه عرب را به کنار آمدن با رژیم اسد و بازگذاشتن دست این رژیم در سرکوب مردم متهم می کنند. و کلا سیاست این اتحادیه را تلاشی برای نجات رژیم اسد از سقوط میدانند. در تحولی دیگر روسیه و جمهوری اسلامی هم فعالتر شده و بنابر گزارشات طرحی را تهیه کرده اند که بر اساس آن "بحران سوریه" قابل حل می باشد. به گزارش تلویزیون العربیه بر اساس این طرح، اسد تا سال ۲۰۱۴ در قدرت میماند. پس از سال ۲۰۱۴ اسد قدرت را به یکی از اعضای "هیات هماهنگی ملی سوریه" که از مخالفان نزدیک به رژیم هستند، خواهد سپرد. در همین

رابطه رفت و آمدهایی گروهی از اعضای هیات هماهنگی ملی سوریه به تهران و مسکو بخش هایی از این تقلاها بوده است.

در واکنش به علنی شدن طرح روسیه و جمهوری اسلامی که در اساس برای نجات رژیم اسد می باشد، نیروهای اپوزیسیون ضمن انتقاد از این سیاست، این طرح را محکوم کرده و خواهان حمایت از مبارزه مردم برای سرنگونی رژیم اسد شده اند. نیروهای مخالف اپوزیسیون در ضمن خواستار به رسمیت شناختن "شورای ملی سوریه" به عنوان نماینده واقعی مردم انقلابی سوریه شده اند. فرهاد احما عضو شورای ملی سوریه روز چهارشنبه اعلام کرد، که رژیم اسد و طرح اتحادیه عرب مبنی بر پایان دادن به سرکوب مردم عملاً شکست خورده و اتحادیه اروپا و جامعه جهانی باید اقدامات دیگری را برای جلوگیری از سرکوب مردم در دستور خود بگذارند. وی در خاتمه تاکید کرد اگر روند سرکوب مردم و بی تفاوتی جامعه جهانی در برابر سرکوب انقلاب مردم ادامه داشته باشد، این احتمال وجود دارد که "ارتش آزاد سوریه" جنگ چریکی بر علیه رژیم را گسترش داده و از طریق نظامی رژیم را به زانو در بیاورد.

مصر: محاکمه مبارک و در خواست اعدام!

در ادامه رسیدگی به اتهامات وارده به مبارک، روز چهارشنبه این هفته جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات مبارک، پسرانش و چند مقام بلند پایه امنیتی رژیم سابق برگزار گردید. اتهام مبارک دستور تیراندازی به مردم و کشتن صدها نفر و فساد مالی می باشد. در پایان رسیدگی به اتهامات مبارک، دادستان کل مصر خواستار صدور حکم اعدام برای حسنی مبارک شد. دادستانی دلیل این درخواست را اینطور اعلام کرده است: "مبارک حتی اگر فرمان تیراندازی نداده باشد باز هم مسئول قتل تظاهرکنندگان است" در ادامه دادستان مصر تاکید کرده است که "هر چند مبارک عامل اصلی جنایات نیست ولی وی می توانست طی فرمانی مانع برخورد خشونت بار با معترضان شرکت

کننده در تظاهرات مسالمت آمیز مردم مصر شود. لازم به توضیح است که اعتراضات خانواده ها و بازماندگان جانباختگان به سرکوب و کشتار مردم در دوره مبارک کماکان ادامه داشته و مردم خواهان محاکمه همه سران و مقامات رژیم مبارک می باشند.*

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفاً قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدال گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰



جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!



سیاسی و چه از نوع قطب تروریسم بلوک غرب بلند شدند گفتند این زندگی را نمیخواهیم، این وضعیت را دیگر قبول نمیکنیم. و با این انقلابات خیلی از تعرضات ایدئولوژیک و سیاسی بورژوازی را در هم شکستند. علیه نسیت فرهنگی خود ما تعرض زیادی کرده بودیم. گفتیم یعنی چه میگوئید حقوق انسان جهانشمول نیست، یعنی چه میگوئید میتوان به دختری که در یک خانواده اسلامی بدنیا آمده بزور حجاب سر کرد؟ میتوان در نه سالگی به او تجاوز کرد، میتوان از کلاس موسیقی محروم کرد، از دوستی با جنس مخالف محروم کرد. بشر بشر است آزادی میخواهد، عدالت میخواهد، پرچم جهانشمولی حقوق مردم را بلند کردیم و مردم منطقه به کمک ما آمدند گفتند این بیحقوقی زن، این فقر، این سرکوب، این خفقان، اینها فرهنگ ما نیست. فرهنگ طبقه حاکم است، فرهنگ دولت های سرمایه داری است، فرهنگ حکومت های سرکوبگر است مال ما نیست و دنیا متوجه شد. دیگر امروز کسی نمیگوید مردم مصر و تونس اگر بدبختند و زیر حکومت های مبارک و بن علی زندگی میکنند یا در ایران زیر فشار حکومت اسلامی هستند این حقشان است و فرهنگشان است و باید به این فرهنگ ها احترام گذاشت. روشنفکران بورژوا و احمق داشتند اینرا میگفتند، چون نیاز داشتند میخواستند این وضعیت را تحمیل کنند و مردم بلند شدند گفتند این مال ما نیست.

هنوز دول غربی در بهت بودند که جنبش های عظیم اعتراضی در خود غرب شروع شد، در آمریکا و انگلیس و روسیه و اسپانیا و یونان و

گذاشته بودند اسم هایشان را عوض کردند. گفتند دمکراسی مان کم است. رفتند پشت پرچمی که در دست ریگان و تاچر بود که داشتند به تمام دستاوردهای بشر که به یمن دهها سال مبارزه سوسیالیستها و مبارزات طبقه کارگر و مردم آزادیخواه بدست آمده بود یورش میبردند و در آن دوره منصور حکمت گفت دمکراسی جواب بشر نیست، بشر در این سیستم بی حق است و امروز پژواک صحبت منصور حکمت را، پژواک اعتراضی که در همان دوره شروع شد را در خیابان داریم میبینیم.

سه سال قبل بانک جهانی اعلام کرد بحران است شورش در راه است، داشت هشدار میداد به دولت های سرمایه داری که بدانید شورش گرسنگان در راه است. شاید کسی باور نمیکرد در ایران شیپور انقلاب به صدا درآید. شیپور آن ۹۹ درصدی ها علیه یک درصد مفتخور حاکم، علیه یکی از جنایتکارترین حکومت های سرمایه داری معاصر به صدا درآمد و بشریت انگار منتظر بود که بک جایی بلند شود تا در کنارش قرار گیرد. بطور بیسابقه ای مردم دنیا از انقلاب مردم ایران حمایت کردند و بنظر من دلپیش فقط این نبود که مردم در مقابل یک حکومت ارتجاعی و عقب مانده دهها هزار کشته داده اند و حالا بلند شده اند، جایی که زن بیحقوق است، مردم بیحقوقند، کارگر به جرم اعتراض شلاق میخورد، کثیف ترین افکار و قوانین قرون وسطائی حاکم است بر هفتاد میلیون جمعیت و مردم اسیر یک حکومت از نوع اسلام سیاسی هستند، حکومت یک مشت قاتل و جانی بعنوان نماینده مردم ایران که اتفاقا به کمک دول غربی سر کار آمده اند و مردم اینرا میدانستند. مثل اینکه بغض در گلو مردم گیر کرده بود. موقعی که از مردم ایران حمایت میکردند در واقع داشتند از خودشان حمایت میکردند. داشتند میگفتند آرمانهای خودمان را در انقلاب مردم ایران میبینیم. انقلاب مردم ایران تسمه نقاله ای شد که آرمانهای خودشان را در آن ببینند. داشتند خشم فروخته خودشان را از دنیای سرمایه داری بروز میدادند. بهانه ای

از صفحه ۱

امروز است به سیاست و اقتصاد و به انسان. تغییر امکان پذیر نیست. اینجا پایان تاریخ است. همین را باید بپذیرید. هرکس کوچکترین آرزویی داشت، کوچکترین مطالبه ای داشت، میگفت لااقل طب باید رایگان باشد میگفتند این حرفها کمونیستی است و دوره اش تمام شده.

حمله به بلوک شرق، یعنی بلوک سرمایه داری شرق، بهانه ای بود که توی سر بشر بزنند و ساده ترین خواستههایش را زیر سوال ببرند، زیر هجوم تبلیغات شدید و کثیفی آن و بی بی سی و رسانه های غول پیکری که درست کرده بودند بشر را منکوب بازار آزا کنند و واقعا اینکار را کردند. در همان روزها و در اوج سرمستی بورژوازی این حزب سربلند کرد. گفت دمکراسی تان پوچ است، گفت اروپای شرقی سوسیالیسم نبود که شکست خورد، بخشی از خود شما بود و با رفتن بلوک شرق موجودیت خود شما زیر سوال میرود.

امروز بعد از بیست سال میبینیم که دنیا بلند شده میگوید سرمایه داری نمیخواهیم. این بیحقوقی را نمیخواهیم. ۹۹ درصد بلند شده میگوید این یک درصد چکاره است که همه زندگی ما را گرفته. چرا این ۹۹ درصد یک ذره اختیار آنهم در مهد دمکراسی های غرب ندارد؟ اینرا بیست سال پیش منصور حکمت گفت. رساله درخشانی نوشت علیه دمکراسی، گفت دمکراسی همین است که چند سال یکبار پای صندوق رای میرود که به دو سه حزب حاکم امکانات دارند، دهها سال حاکم بوده اند، جزئی از خود طبقه حاکم هستند که به یکی از آنها رای بدهید و بعد به خانه بروید آنها هرکاری خواستند بکنند، طب تان را بزنند، بیمه های اجتماعی تان را بزنند، حقوقتان را بزنند و شما هیچ حقی ندارید و هیچکاره اید. تازه این مدلی است که بورژوازی در بهترین کشورهای سرمایه داری جلو بشر گذاشته و به آن افتخار میکند. ۹۹ درصد مردم کاملاً بیحقوقند. و خیلی ها در آن دوره نه تنها در بلوک شرق بلکه در کل دنیا که بدلیل محبوبیت کمونیسم، اسمشان را کمونیست

حزب کمونیست کارگری و ...

شوروی و بلوک شرق را به اسم کمونیسم جا زدند تا بتوانند آوار آن را بر سر کمونیسم و بر سر انسانیت بریزند. امروز درست بعد از بیست سال، سالروز حزب کمونیست کارگری مصادف است با یکی از رزمنده ترین و مهمترین تاریخ دوران تاریخ بشر. نمیدانم آیا هیچ مقطع دیگری در تاریخ بشر داشته ایم که در عرض یک سال اینهمه انقلاب، اینهمه سرنگونی دیکتاتورها و چنین جنبش بزرگی در دنیا رخ داده باشد.

اتفاقا همین امروز سالروز خودسوزی محمد بوغزیزی در تونس است یعنی درست روز شروع انقلاب تونس. حزب کمونیست کارگری در آن دوره تشکیل شد که پاسخ منصور حکمت به آن دوره سیاه بود و امید را جلو بشریت گذاشت. گفت این دوره میگذرد. گفت این هو و جنجال ها میخوابد. بشر بیش از هر زمانی همین امروز به سوسیالیسم نیاز دارد. به آن سوسیالیسمی که ما میگوئیم، به آن سوسیالیسمی که مارکس میگوید. به آن سوسیالیسمی که انسانیت مبنای آن است.

اجازه دهید این سه دهه را با هم مرور کنیم. دوره بزرگترین جنگ ها، دوره بزرگترین قتل عام ها، در یوگسلاوی سابق، قتل عام در رواندا، کشتار هرروزه مردم در افغانستان، کشتار صدها هزار نفره مردم عراق با حمله نظامی و بمب و تحریم اقتصادی، هشت سال جنگ ایران و عراق با صدها هزار کشته، دوره بزرگترین قتل عام سیاسی توسط جمهوری اسلامی در دهه شصت. دوره حمله به کارگر و مردم محروم در همه جای دنیا، دوره تحمیل ریاضت اقتصادی، دوره پس گرفتن دستاوردهای اجتماعی مردم در غرب. دوره ای که بدترین ارزش ها را حاکم کردند، ارزش های جهانشمولی که بشر برایش جنگیده بود زیر سوال رفت، برابری حقوق زن و مرد، دفاع از حقوق کودک، سکولاریسم. گفتند دیگر تمام شد. سرمایه داری بازار آزار سر کار آمد، گفتند سوسیالیسم و برابری شکست خورد، گفتند هرچه هست همین است، سرمایه داری است، بازار آزاد است، این جواب بشر

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

حزب کمونیست کارگری و ...

از صفحه ۷

غیره، بگذارید از زبان مجله تایمز که يك نشریه بورژوازی است ببینیم چه میگوید. این دیگر حرف کمونیست ها نیست حرف بورژوازی است که سه روز پیش در این نشریه بیان شده. روی جلدش آدم نمونه سال را بجای مرد سال و زن سال گذاشته

protester یعنی معترض، آدمی که در خیابان دارد اعتراض میکند و گفت از بهار عربی تا آتن و از جنبش اشغال در آمریکا تا مسکو در سال ۲۰۱۱ هیچ دوره ای در تاریخ بشر اینقدر اعتراض و انقلاب علیه دیکتاتوری ها، جنبش علیه سرمایه داری و اعتراض علیه وحشی گری های پلیس ثبت نشده است. بنظر من به نوعی حق مطلب را ادا کرده است. هم به انقلابات در شرق و هم جنبش ضدسرمایه داری در غرب اشاره کرده است که از يك جنس هستند. شیپور این اعتراضات با انقلاب ایران به صدا درآمد، در کشورهای خاور میانه و شمال آفریقا گسترش پیدا کرد و به شکل خیلی جالبی به شکل يك جنبش زنده ضد سرمایه داری در غرب سر بلند کرد که میگویند این وضع را قبول نداریم، اصلا دولت نمیخواهیم، میخواهیم جور دیگری دنیا را اداره کنیم. چکاره است وال استریت؟ چکاره هستند کمپانی ها؟ چرا حق زندگی را از ما گرفته اند؟ چرا هیچ چیز نداریم و هر چه کار میکنیم بدبخت تریم؟ همان حرف مارکس را در خیابان ها تکرار کردند و جالب است که الگوشان الگوی مردم مصر بود، اشغال میدان ها، حتی در آمریکا اسم میدانی را گذاشتند میدان تحریر و گفتند اینجا را اشغال میکنیم. جنبشی که نه رنگ مذهبی داشت نه رنگ قومی داشت نه رنگ ناسیونالیستی، نه رنگ نسبییت فرهنگی. برعکس مرزها را در هم ریختند. گفتند مرزی نداریم، در آمریکا گفتند از مردم مصر حمایت میکنیم. و بشر بهم پیوستگی اش را در این جنبش ها دید. دیگر این در تنوری ها و حرفهای مارکس و کتاب ها نبود. به يك فورس سیاسی تبدیل شد. دنیا عوض شد و تایمز اینرا میگوید که

انقلاب حرف بزند. نمی توانند راحت در مقابلش بایستند. به نظرم جوانان عصر تویتر و فیس بوك نگذاشتند. جنایات شتر سوارها در میدان التحریر را نیم ساعت بعدش دنیا دید. نمی توانستند بگویند که مردم دارند خشونت می کنند. نشان دادند اتفاقا این دولت، دولتی که کنار دولت آمریکا بود و دستپخت آنها و متحد آنها بود دارد سرکوب می کند. و اوایما نتوانست کاری کند و خفقان گرفت. انقلاب که در ایران شد، ندا را که کشتند يك ربع بعدش فیلمش در تمام دنیا پیچید و ندا در عرض چند روز به يك شخصیت جهانی تبدیل شد. جوانها از این مدیای اجتماعی استفاده کردند و وحشیگری طبقات حاکم و وحشیگری دولتهای سرمایه داری چه از نوع اسلام سیاسی و چه از نوع متحدان دول غربی را بلافاصله به دنیا نشان دادند و خود چهره انقلاب را در ذهن بشریت عوض کردند.

منتها نکته ای که میخواهم بگویم این است که صرف اینکه این انقلابات از زاویه چه است و این اعتراضات خودبخود باعث نمیشود که حکومتیها چه و حکومت های کارگری بیایند سر کار و یا برابری و سوسیالیسم حاکم بشود. این دیگر برمی گردد به عامل فعاله، به انسان، به ما که آیا توانایی و اراده اینرا داریم که از این وضعیت مناسبی که امروز برایمان ایجاد شده استفاده کنیم یا نه؟

و اینجاست که به نظر من کمونیستهای باید باشند که اشتهای قدرت داشته باشند، بیایند وسط صحنه جامعه و بگویند ما هستیم، ما باید قدرت را بگیریم، باید دولتها را بگیریم و ما هستیم که می توانیم تغییر بدهیم. ما هستیم که رسالت تغییر و عوض کردن این جامعه را داریم. حزب کمونیست کارگری يك حزب متفاوت و با سیاستهای متفاوت است. دوست و دشمن می داند که این حزب مرام متفاوتی داشته، چهره متفاوتی داشته و همیشه شیوه های فعالیت متفاوتی داشته است. در همه زمینه ها با چه های دگر متفاوت بوده است. حرفش در مورد قدرت سیاسی هم این است که گفت حزب سیاسی باید

بدون هیچ تردیدی گرفتن قدرت سیاسی در دستورش باشد و باید قدرت را بگیرد. این مورد مخالفت بسیاری از چپ هاست.

اجازه بدهید من خیلی کوتاه فشرده ای از تاریخ بیست ساله این حزب را بگویم، گوشه کوچکی از آنرا و بعد برگردم به مساله قدرت سیاسی. این حزب کارهای زیادی کرده میشود کتابها نوشت در موردش. یکی از مهمترین کارهایی که این حزب کرد که مینا احدی هم اشاره کرد و خودش اتفاقا نقش مهمی در این عرصه از فعالیت داشته این است که به آدمهای گمنام چهره داد. و این مورد مخالفت خیلی ها بود. آدمهایی، زنانی که از اعماق جامعه کسی اسمشان را نشنیده بود. آوردشان جلوی صحنه، تبدیل کرد به يك کیس سیاسی، تبدیل کرد به يك مسئله سیاسی. آورد توی صحنه سیاست تا در مقابل اعدامشان بایستد تا در مقابل سنگسارشان بایستد، تا در مقابل ظلمی که بهشان میشود بایستد. به اینها چهره داد. به فعالین کارگری هم حزب کمونیست کارگری چهره داد. اولین بار فکر کنم ۱۶ یا ۱۷ سال قبل بود که در دفاع از يك فعال کارگری، محمود صالحی، ما کمپین کردیم. اسمش را آوردیم و رفتیم سازمانهای کارگری را بسیج کردیم. گفتیم به جمهوری اسلامی فشار بیاورید تا این فعال کارگری را آزاد کنند. خیلی از چپها به ما حمله کردند و گفتند که حزب کمونیست کارگری احساس مسئولیت نمی کند و امنیت اینها را به خطر می اندازد. امروز هیچکس اینرا نمی گوید. امروز هر فعال کارگری را که بگیرند هر گروهی سعی میکنند قبل از دیگران عکسش را در سایتش چاپ کند و خوشبختانه فعالین کارگری آمدند پای این خط که بگویند اسمان و عکسمان و مشخصاتمان هر چه زودتر در سطح بین المللی اعلام شود. و ما پیشقروال این کار بودیم. حتی موقعی که اسامی مان را زدیم پای مقالاتمان، عکسهایمان

را زدیم پای مقالاتمان، خیلی از چپها با آن مساله داشتند. راست که این مشکلات را ندارد و همیشه برای خودش ارج و قربی قائل بوده و خودش را در صحنه سیاست صاحب همه چیز می داند، فکر می کند دنیا مال اوست. فکر می کند این حکومتها مال اوست و فکر می کند کند شخصیتهای او را همه دنیا باید بشناسند. این چپ را آنقدر زده بودند، آنقدر کشتار کرده بودند، اینقدر شکنجه کرده بودند که این را برای خودش درونی کرده بود و فکر میکرد که هنوز باید مخفی بماند و با چهار نفر بیشتر صحبت نکند. نباید اسم و عکسش جایی اعلام بشود. همین چپ به ما گفت شما دارید شخصیت پروری می کنید، گفت این کیش شخصیت است. ولی امروز می بینیم این یکی از بزرگترین کارهایی بود که ما باید میکردیم. چطور میشود که لاجوردی جلا را همه بشناسند، خامنه ای را همه بشناسند، اکبر گنجی و شیرین عبادی و دو خردادیها را بشناسند و بازجوهای جمهوری اسلامی را که دستشان به خون مردم آغشته است همه بشناسند و امروز به شکل نویسنده و روزنامه نگار معرفی کنند، عکس و اسم و رسمشان همه جا باشد و اینجا بیایند کنفرانس بگذارند توی برلین، ولی کمونیستها را کسی نشناسد و عکسشان را هم کسی نبیند و توی جامعه کسی آنها را نشناسد و کاره ای نباشند؟ این که به درد نمی خورد این کمونیست که راهی به جایی نمی برد. این کمونیست که برای خودش ارزش قائل نباشد، برای خودش هویت قائل نباشد، جامعه برایش هویت قائل نیست. جامعه چنین کمونیستی را انتخاب نمی کند. امروز خوشبختانه این تصویر به درجه زیادی عوض شده و خیلی از چپها هم دارند همین کار را می کنند. بعضی از شما تاریخ این حزب را می دانید ولی برای نسل جوان می

Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

حزب کمونیست کارگری و ...

از صفحه ۸

خواهم چیزی را بگویم که شاید باورش نشود موقعی که گفتیم آزادی بی قید و شرط سیاسی قبل از این حزب، توی برنامه اتحاد مبارزان کمونیست فکر می کنم سال ۵۸ یا ۵۹ یکسال یا دو سال بعد از انقلاب، به ما حمله کردند گفتند یعنی چی آزادی بی قید و شرط سیاسی؟ اینها که لیبرالی است، آزادی باید برای یک عده باشد یعنی فقط برای کارگران و انقلابیون باید باشد! گفتیم این نوع چه نوع آزادیخواهی است؟ مگر میشود گفت من آزادی برای یک عده می خواهم برای یک عده نه؟ جامعه ازت قبول نمی کند. جامعه مسخره ات می کند. مگر قرار است یک عده دیکتاتور دیگر بیابند سر کار و یک عده را سرکوب کنند؟ این که نمیشود. اینجور که دلخواهی نمیشود به مردم آزادی داد. پرچم آزادی برای همه مردم را باید بلند کنی تا مردم قبولت کنند، احترام برایت قائل شوند و بگویند مثل اینکه میشود به اینها اعتماد کرد. ما جدل کردیم مقالات نوشتیم. اینها همه ثبت شده، دهها مقاله از طرف چپ علیه ما نوشته شد. خوشبختانه امروز همه این مسئله را قبول کردند. در مقابل اعدام ایستادیم و باز یکی از شخصیتهای برجسته اش همین مینا احدی بود. جلوی اعدام خیلی ها را گرفتیم. گفتیم اعدام انقلابی نداریم. هیچ رقم اعدام را قبول نداریم. اعدام غیر انسانی است، ضد انسانی است و باید در همه دنیا ممنوع شود. در مقابل مذهب باید ایستاد و ما ایستادیم به عنوان خرافه و به عنوان ایزاری که آدم می کشد. اسلام سیاسی دارد کرور کرور در سودان و افغانستان و ایران و فلسطین و هر جایی که دستشان رسیده آدم میکشند. باید در مقابل این ایدئولوژی جنایت ایستاد و یک عده از چپ ها گفتند باید مذهب توده ها را جدا کرد، باید به مذهب توده ها احترام گذاشت، نباید توی شکم مذهب بروید. اینجوری منزوی میشوید. اینجوری کسی سراغتان نمیاید. خوشبختانه به ادبیات این

اینها را نگوید قبولش نمیکنند. گفتیم حزب باید درست کنیم گفتند نمیشود. و هر اقدامی کردیم بخشا با خود چپ مجبور بودیم مقابله کنیم. چپی که از جنس ما نبود. ولی خوشبختانه بسیاری از این ادبیات رایج شد. گفتیم سرمایه داری ملی و مترقی نداریم گفتند داریم چپ روی میکشید، تروتسکیست هستید و الان دوره دفاع از سرمایه داری ملی است. فکر میکنم الان در ادبیات چپ هرچند دست و پا شکسته و الکن ولی این حرفها پذیرفته شده. و من میخواهم بگویم بحث حزب و قدرت سیاسی را هم به شما قول میدهم که هر چپی که قصد تغییری اساسی در جامعه را دارد می پذیرد. چون راهی جز این نیست. در روسیه هم بلشویک ها قدرت را گرفتند، لنین و اینها قدرت را گرفتند و اگر اقدام نمیکردند قدرت را نمیتوانستند بگیرند. اینجا کاری به این ندارم که در زمینه برنامه اقتصادی سوسیالیستی روشن نبودند و شکست خوردند. ولی بالاخره بلشویک ها قدرت را گرفتند. در ایران هم همینطور است و من فراخوانم این است که از این حزبی که پرچم روشنی را در این بیست سی سال بلند کرده، پرچم بیشترین آزادیها را بلند کرده، پیشقراول بوده، به کمونیسم هویت داده، چهره داده، گفته بدون چهره نمیتوانی در مقابل اینهم دشمن جنگی و کمونیسم را در قلب مردم بکنی، این حزب را مال خود بدانید و فعالانه حمایتش کنید. ما گفتیم باید چهره هایت هم به یک فورس سیاسی تبدیل شوند یک فورس اجتماعی که جامعه ببیند و ترا انتخاب کند. باید در صحنه سیاسی جامعه باشی که انتخابت کنند، نباشی انتخابت نمیکنند. اینکه فقط توی این کوچه آن کوچه مشغول پخش اطلاعیه باشی مردم جدیت نمیگیرند و میروند دنبال احزاب بورژوائی و همین بلا دو نسل سه نسل دیگر به سر مردم میاید. این حزب شایسته است انتخاباتش کنید. انقلاب در ایران در راه است در پیچ بعدی است. بحران جمهوری اسلامی عمیق تر شده است. آن

بحرانی که دو سال و نیم قبل مردم بخاطرش انقلاب کردند عمیق تر از گذشته است بحران سیاسی، اقتصادی، شکاف های درون حکومت، حاکم است. راهی جز انقلاب مقابل مردم نیست و مردم دوباره به خیابان میایند. امیدوارم کل چپ، کل کمونیست ها که طیف بسیار وسیع و گسترده ای هستند در طبقه کارگر و در کل جامعه و افکار و عقاید کمونیستی به یمن وجود چنین کمونیسمی جای خودش را باز کرده این موقعیت را تشخیص بدهند و از فرصتی که در انقلاب بعدی بوجود می آید استفاده کنند. حزب کمونیست کارگری ضعف و ایراد کم ندارد ولی فکر میکنم اراده آنرا دارد که بر این ضعف ها غلبه کند. خیلی از شما اگر اختلاف دارید، سایه روشن دارید، حتی اگر در احزاب و گروهها و در محافل دیگری هستید باید این چهره را از خود نشان دهید. بگویند اینبار باید قدرت را بگیریم، بگویند میخواهیم پرچم مان را در وسط شهر بکوبیم، بگویند باید از همه احزاب سیاسی دیگر قدرتمندتر، بزرگتر و مشروع تر جلوه کنیم. تنها از این راه است که میشود قدرت را گرفت و من امیدوارم کل کمونیسم، کل این جنبش که خیلی قدرتمند است در ایران و بویژه در جنبش کارگری که حرف اول را میزند اینبار به آن بلوغ سیاسی رسیده باشد و آنقدر تجربه

کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران برگزار میشود

قابل توجه عموم!

کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران در ماه فوریه ۲۰۱۲ در یکی از کشورهای اروپائی برگزار میشود. شرکت در کنگره برای عموم آزاد است. چنانچه مایل به شرکت در کنگره هستید، برای ثبت نام با آدرس زیر تماس بگیرید.

Congress8@gmail.com

زنده باد سوسیالیسم!

مظفر صالح نیا از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران دستگیر شد

با خود به مکان نامعلومی میبرند. پس از این دستگیری همسر او جهت کسب اطلاع از محل نگهداری مظفر به ستاد خبری وزارت اطلاعات و اطلاعات نیروی انتظامی مراجعه کرده است. اما هر دو نهاد از محل نگهداری وی اظهار بی اطلاعی کرده اند.

بنا بر همین گزارش مظفر صالح نیا حدود دو هفته پیش، پس از مشاهده یک کارتن خواب ۳۵ ساله که شبها و در هوای بسیار سرد سنندج در مقابل محل کارش در کنار خیابان میخوابید، از اداره بهزیستی سنندج خواهان سرپرستی وی گردیده بود. اما پس از دو روز از انتقال این کارتن خواب به بهزیستی

بنا بر خبر منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران مظفر صالح نیا از اعضای هیئت مدیره این تشکل کارگری، صبح روز ۱۵ دی ماه دستگیر شد. در این روز ۵ نفر از مامورین امنیتی جمهوری اسلامی در شهر سنندج به محل کار وی رفته و پس از تفتیش آنجا وی را دستگیر و جهت تفتیش منزل به خانه وی میروند.

بنا بر این گزارش مامورین امنیتی جمهوری اسلامی بطور توهین آمیزی اقدام به تفتیش منزل وی کرده و در مقابل چشمان دخترش به مظفر تعرض کرده و کاپشن او پاره میشود و نهایتاً مامورین جمهوری اسلامی با ضبط کامپیوتر او مظفر



های تلویزیونی محلی نیز پخش شد. بدین ترتیب مظفر صالح نیا را به

کمیسیون برای آزادی کارگران زندانی
۱۵ دی ۹۰، ۵ ژانویه ۲۰۱۲
Shahla_daneshfar@yahoo.com
Bahram.Soroush@gmail.com
http://free-them-now.blogspot.com

خاطر اعتراض انسانی او به خوابیدن در کنار خیابان و در هوای سرد زندانی و بازداشت کرده اند. مظفر صالح نیا باید فوراً از زندان آزاد شود.

نیاید خانواده من مجبور باشند برای گرفتن مجوز ملاقات و همراه، هر ۳ روز یکبار، ساعت‌ها و روزها در راهروهای دادستانی انتظار بکشند. ۳- مسئولین زندان باید سریعاً نسبت به تهیهی اقلام دارویی و کلیه ملزومات مورد نیاز عمل جراحی من اقدام کنند و کلیه آثار سوء ناشی از دیرکرد در روند معالجه متوجه مسئولین زندان است.

۴- به جهت آمادگی برای عمل سنگینی که در پیش دارم، من به محیطی آرام و بدون دغدغه نیاز دارم. مسئولین امر موظف به ایجاد چنین فضایی هستند و باید شرایطی فراهم کنند که سربازان و دژبانان وظیفه‌ای که همراه من هستند، برخوردی شایسته با من و خانواده‌ام داشته باشند. رضاشهابی ذکریا، کارگر زندانی-بیمارستان امام خمینی تهران
۹۰/دی/۱۱

وضعیت بحرانی مهره‌های کمر و گردن‌ام دستور داده که همواره باید یک همراه در کنارم باشد و همچنین دستور داده تا یک قطعه پلاتینی و مقادیری دارو برای عمل جراحی تهیه شود، اما مسئولین زندان که قانوناً موظف به تهیهی این موارد و دیگر ملزومات درمانی من هستند، نه تنها از زیر بار این مسئولیت شانه خالی می‌کنند، بلکه فشارهای روانی و عصبی بر من و خانواده‌ام را افزایش داده و از ملاقات خانواده و نزدیکانم با من جلوگیری می‌کنند. با توجه به وضعیتی که برای من پیش آمده، اعلام می‌کنم که تا موارد زیر برای من فراهم نشود، اجازه‌ی هیچ‌گونه درمانی را نخواهم داد:

۱- باید با من به عنوان یک بیمارستان رفتار شود و نه یک زندانی، زیرا این جا بیمارستان است و نه زندان اوین.
۲- ملاقات و همراه من باید کاملاً آزاد و به مانند دیگر بیماران باشد و

ابراهیم زاده نیز همانند رضا شهابی از ۲۲ خرداد ۸۹ تا کنون در زندان است. علاوه بر رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده، ابراهیم مددی یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد، علی نجاتی عضو سندیکای نیشکر هفت تپه و رسول بداغی عضو کانون صنفی معلمان در زندانند. روز گذشته یعنی ۱۵ دی ماه نیز مظفر صالح نیا عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در شهر سنندج دستگیر شد. همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کمیسیون برای آزادی کارگران زندانی
۱۶ دی ۹۰، ۶ ژانویه ۲۰۱۲

متن نامه رضا شهابی در اعتراض به وضعیت اش در بیمارستان

این جانب کارگر زندانی رضا شهابی ذکریا عضو هیئت مدیره و خزانه‌دار سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی که به دلیل دفاع از حق و حقوق کارگران همکارم و فعالیت صنفی قریب به ۲۰ ماه است که بدون محاکمه در بازداشت موقت به سر می‌برم، اکنون بیش از ۱۰ روز است که به اعتصاب غذای ۳۱ روزه خود پایان دادم اما بر خلاف گفته‌ی مسئولین هیچ تغییری در روند پرونده و وضعیت درمانی‌ام مشاهده نکرده‌ام. دکتر معالج من با توجه به



نامه اعتراضی رضا شهابی از بیمارستان

پاسخ داده نشود، اجازه هیچ‌گونه درمانی را در مورد خودش نخواهد داد و مسئول این وضعیت نیز مسئولین زندان هستند.

خواسته‌های رضا شهابی جزو حقوق ابتدایی هر زندانی است. جمهوری اسلامی در قبال وضعیت جسمی‌ای که امروز رضا در آن بسر میبرد مسئول است. جمهوری اسلامی در قبال جان زندانیان سیاسی مسئول است. رضا شهابی باید با استانداردهای لازم پزشکی تحت معالجه فوری قرار گیرد. با تمام قدرت از خواسته‌های برحق رضا شهابی حمایت کنیم.

جرم رضا شهابی مبارزات با شکوه کارگران شرکت واحد در سال ۸۴ و تلاش این کارگران برای ایجاد تشکل خود، سندیکای واحد است، رضا شهابی باید فوراً آزاد شود. لازم به یاد آوریم که بهنام ابراهیم زاده یکی دیگر از کارگران زندانی که به او ۵ سال حکم زندان داده شده است، در همبستگی با رضا شهابی دست به اعتصاب غذا زده بود که بعد از اینکه رضا به اعتصابش خاتمه داد، او نیز به اعتصاب خود پایان داد. بهنام

رضا شهابی عضو هیئت مدیره شرکت واحد از ۲۲ خرداد سال گذشته همچنان در بازداشت بسر میبرد. او بدنبال ده روز اعتصاب غذا در اعتراض به ادامه بازداشتش در زندان و وضعیت وخیم جسمانی خود، روز ۱ دی به درخواست خانواده و دوستانش به اعتصاب خود خاتمه داد و جهت معالجه به بیمارستان انتقال یافت. وضعیت بحرانی مهره‌های کمر و گردن رضا او را در خطر فلج شدن قرار داده است. اکنون بعد از ده روز انتقال به بیمارستان از سوی جانیان اسلامی هنوز اقدامی در جهت معالجه وی صورت نگرفته است. در این رابطه رضا شهابی طی نامه‌ای اعتراض خود را اعلام کرده و خواسته‌هایی را طرح کرده است. در این نامه رضا شهابی اعلام کرده است که باید در بیمارستان به او همانند یک بیمار برخورد شود و نه یک زندانی، باید خانواده او همانند دیگر خانواده‌های بیمار در بیمارستان حق ملاقات داشته باشند و باید امکان درمانی لازم برای او فوری تأمین شود و برای او محیطی آرام و بی دغدغه فراهم شود و نه اینکه همواره توسط ژاندارمهای جمهوری اسلامی تحت کنترل باشد. او در این نامه تأکید کرده است که تا مادامیکه به خواسته‌های فوری وی

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهلا دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!